

در رئای «فریدون نوزاد»
(۱۳۰۱-۱۳۹۵ آبان ۱۳۹۵)

گیلان شناسی خوشنام و ادب پروری فرنام

علی امیری

مسئول دفتر تاریخ شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی گیلان



استاد فریدون نوزاد به هر حوزه‌ای که پا نهاد خالق اثری ماندگار شد. مجموعه یادداشت‌ها و تحقیقات دوران جوانی اش پیرامون تئاتر گیلان به کتاب خواندنی «تاریخ نمایش در گیلان» بدل گشت. امروزه این کتاب به عنوان منبع شاخص و مستندی برای پژوهشگران تاریخ تئاتر گیلان محسوب می‌شود و طی سال‌های گذشته زمینه‌ساز تحقیقات و تبیینات تازه‌ای در این وادی شد.

نوزاد شیفته و عاشق فرهنگ گیل و دیلم بود. این شوق پاک و ستودنی چهاردهه او را درگیر تحقیق و گردآوری واژگان گیلکی کرد. ماحصل این جهد ماندگار،

سیزدهم آبان ماه استاد فریدون نوزاد چهره ماندگار تاریخ، فرهنگ و ادب گیلان چشم از جهان فرو بست. نوزاد در چند حوزه صاحب نظر بود و تألیفات برجسته‌ای از خود باقی نهاد. در جوانی به هنر تئاتر رو آورد و تا اوایل دهه سی یکی از کوشاترین گیله مردان هنرمند بود. روح کنجکاو و پژوهشگر او منجر به همنشینی با بزرگان و پیشکسوتان آن روزهای هنر تئاتر گیلان شد. این مجالست و همنشینی بعدها زمینه‌ساز نگارش مقالات خواندنی و سخنرانی‌های به یادماندنی اش شد.

فریدون نوزاد در ادبیات نیز بسیار توانمند بود. از همان ابتدای دوران بلوغ، آفتاب ذوق ادبی اش شروع به تابیدن کرد. این تابش تا آخرین روزهای حیات نوزاد ادامه داشت. روح ادبی نوزاد سرشار از احساس بود. هنوز حال و هوای آن روزی که برای آخرین بار به دیدارش رفتم را در خاطر دارم. چند ماه قبل از وفاتش بود. آخرین سرودش را برای بنده و جمعی که حضور داشتند، خواند. شعری بود با عنوان «آخرین خواسته» که زبان حال خودش بود در آن روزها. چند بیت آن چنین است:

دوست دارم که غریبانه و گمنام بمیرم
قاصدک گردم و در حوزه او هام بمیرم
دوست دارم که چو قرقص کنان در دل دریا
بر لب مرگ ز نم بوسه و فر نام بمیرم
دوست دارم به لحد چون بسیارند تنم
ناله‌ای ششوم و سواکت و آرام بمیرم

مرحوم نوزاد در دوره جوانی به عضویت حزب ایران در آمد و با همکاری چند تن از دوستان آزاده در رشت، دفتر نمایندگی این حزب را پایگاهی برای فعالیت، همفکری و تبادل افکار جوانان پر شور ایران دوست کرد. او از هیچ کوششی برای تنویر افکار عامه دریغ نمی‌کرد. آن زمان که حزب توده با ابزار تبلیغاتی خود به اشاعه افکار کمونیستی در بین جوانان گیلان مشغول بود، نوزاد و همفکرانش کوشیدند تا پرده از واقعیت ماجرا برکشند و سراب بودن تبلیغات بوقچی‌های دفتر حزب توده در گیلان را بر همگان آشکار سازند. کوششی که بی دردرس نبود و برای او و دوستانش مشکلات بزرگی پدید آورد.

نوزاد به فعالیت مطبوعاتی علاقه مفرطی داشت. این علاقه و اشتیاق بعد از شهریور ۱۳۲۰ شکل عینی به خود گرفت. قلمفرسایی‌ها و مقاله نویسی‌های آن مرحوم که به اقتضای سن، آمیخته با شور جوانی بود، در کوتاه‌ترین زمان نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. آن روزها مقالات نوزاد همگی در دفاع از کبان و شرف ایران و ایرانی نوشته می‌شد و بیم فراوان از تاراج میراث وطن به دست عناصر خود فروخته را گوشزد می‌کرد.

نوزاد مدت کوتاهی به انتشار روزنامه‌ای در رشت همت گمارد اما همزمانی با کودتای مرداد ۳۲ و فشارهای دولت زاهدی، راه را برای ادامه فعالیت روزنامه وی و دیگر جراید فعال و منتقد آن سال‌ها بست.

فریدون نوزاد به مطالعه و بررسی پیشینه گیلان توجه فراوان داشت. مقالات گوناگونی در این زمینه از آن مرحوم به چاپ رسید که هر یک خواندنی و شنیدنی است. بویژه سلسله تحقیقاتش راجع به محلات قدیمی شهر رشت که در ابتدای دهه سی در جریده «گیلان ما» که تحت مدیریت زنده یاد حاج علی فایقی یکی از وکلای خوشنام و آزاداندیش رشت بود، منتشر شد. این روزنامه را می‌توان مهم‌ترین تریبون مطبوعاتی نوزاد در اوایل دهه سی دانست. به طوری که با کمک و یاری دوست همفکر و فرهنگ پرور خویش دکتر محمدعلی فائق و با دعوت از چهره‌های روشنفکر ایران دوست و جوانان جویای نام گیلان، ستون‌های فرهنگی، ادبی، تاریخی و اجتماعی این جریده فریده را رنگ و لعابی متفاوت داد.

در دلی با «دنیا فنی زاده»
(۱۳۴۶-۸ دی ۱۳۹۵)

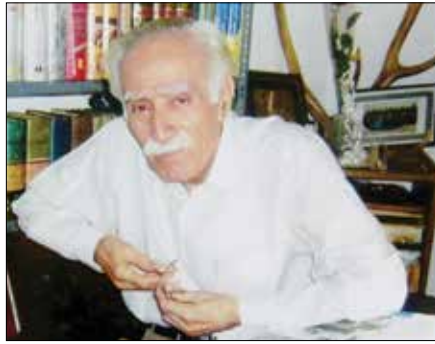
دنیا جان... کجایی؟

ستاره اسکندری

بازیگر



این روزها فکرمی کنم، به تمام شما که امسال را برگزیدید برای رخت سفر بریستن... به پدرم که رفت و درس زندگی را از او آموختم، به آقای کیارستمی که شعر زندگی را از او آموختم، به آقای رشیدی که تاریخ زندگی بازیگری ام بود... و به «تو» که همیشه پر بودی از خود خود زندگی... تو جان می‌بخشیدی، تو جانان را می‌دمیدی در کالبد عروسک‌هایت و روح زندگی می‌آمد، می‌آمد تا بر دل کودکان این سرزمین بنشیند. باورهایشان را رنگ ببخشد، تو تمام جانان را گذاشتی، تمام تمامش را رفتی... کج رفتی نمی‌دانم رفیق سال‌های دورم... هنوز گوشم پر است از خنده‌های شیرینت زیر میزهای عروسک گردانی... چقدر آن روزها حالمان خوب بود انگار که زندگی شوخی است، می‌نشستیم تک زمین و با هم حرف می‌زدیم، پشت سکوها از غصه هابمان می‌گفتیم از رنج هابمان و آرزوهایمان... آرزوهای



عکس: آرشیو خانواده نوزاد

ساده خوشبختی... هرگز تصور مرگ از ذهنمان نمی‌گذشت حتی... دور بود... خیلی دور... من جذب ذره‌های زمان شدم گرفتار دریای پراز موج زندگی... بیماری‌ات را شنیدیم تماس گرفتیم تو خندیدی... دنیا جان تو خندیدی اما، شادی پورمهدی و مرصیه محبوب و نازنین نودری و سیمین بانو تو را تنها نگذاشتند... کنار تو، دوشادوش تو، چندین سال جنگیدید و بعد آن لحظه فرار رسید؛ تو از درد نهدی شدی، بال زدی رفتی و دوستان و دوستدارانت ماندند در دنیایی که دیگر دنیا داشت و همه پر شدیم از اشک و دل‌تنگی و حسرت... پر شدیم از تعجب و شگفتی جرابی... در دنیای بی دنیا من اما هنوز گوشم از خنده‌های تو پر است و چشمم از شور تو برای زندگی فرزندان و فرزندان ایران زمین... تو هستی هنوز و تا همیشه خواهی بود، تو تاریخ مایی... نامت بر بلندای آسمان هنر حرکت شده دنیا خانووم جان...

درباره «فرهنگ شریف»
(۱۳۱۰-۱۷ شهریور ۱۳۹۵)

۶ دهه بداهه نوازی

کیوان ساکت

نوازنده تار و سه تار



یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های موسیقی شرق بداهه نوازی ست و بداهه نوازی عمدتاً از تکنولوژی است که تعلق می‌یابد. از این منظر تکنوازی که به این درجه از استادی می‌رسند اندکی یابند. در طول صد سال اخیر محدود هنرمندان رامی‌باید که در هنر نوازی و بداهه نوازی در موسیقی ایرانی به پای کسی چون استاد فرهنگ شریف رسیده باشد. برخی از بداهه نوازی‌ها بسیار نزدیک به ردیف است و تنوع و خلاقیت کمتری در آن به چشم می‌خورد، اما در نوازی ساز استاد شریف نواهای نو مرتب یکی پس از دیگری جلوه‌گر می‌شوند و شنونده صاحب ذوق را به وجد می‌آورد. سونوریت منحصربه‌فرد، جمله‌بندی‌های ویژه و پراحساس در کنار تک‌مضارب‌های روشن و شفاف در مجموع و حسن خلق از ویژگی‌هایی است که استاد شریف را دارای شیوه و سبکی می‌سازد که ویژه ایشان است. همین است که بیش از ۶ دهه نوازی ساز این استاد در هیخته را آراش بخش جان‌های خسته و رنج دیده مردم این دیار ساخته است. یادش گرامی باد.



کتاب «گیله‌گب» بود که در کوتاه‌ترین زمان مورد استقبال اهل فرهنگ و مطالعه قرار گرفت و نایاب شد. در کارنامه فرهنگی زنده یاد نوزاد نزدیک به هفت دهه فعالیت مطبوعاتی دیده می‌شود. وی در کنار خواندن و نوشتن، به گردآوری و آرشیه مطبوعات نیز توجه ویژه‌ای داشت. این آرشیه بعدها تکیه‌گاه مناسبی برایش شد تا کتاب «تاریخ جراید و مجلات گیلان» را بنگارد و به چاپ برساند. کسانی که درباره مطبوعات گیلان مشغول تحقیق و پژوهش هستند بخوبی از ارزش بالای این کتاب خبر دارند. کتابی مستند راجع به روزنامه‌ها و مجلات گیلان از مشروطه تا انقلاب اسلامی که برآمده از سال‌ها مطالعه و بررسی مؤلف کوشا و دلسوزش بوده و هنوز هم در ردیف آثار ممتاز عرصه مطبوعات کشور به شمار می‌رود.

فریدون نوزاد کتابشناس با تجربه‌ای بود. سال‌ها به مطالعه کتاب‌های گوناگون پرداخت و کتابخانه معظمی برای خویش دست و پا کرد. وی در میانه حیات علمی به تصحیح متون قدیمی رو آورد و شاخص‌ترین اثرش در این زمینه کتاب «نامه‌های خان احمدخان گیلانی» است که توسط انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار به چاپ رسید. در سال ۹۲ نیز مجموعه اسناد و نامه‌های الکساندر خود کو نایب کنسول روس در گیلان که در فرانسه نگهداری می‌شود را با عنوان «نامه‌های گیلان» تصحیح و منتشر کرد.

نوزاد از حامیان واقعی و دلسوز سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان گیلان بود. و این دلسوزی را تا آخرین روزهای زندگی از خود نشان داد. بخش تاریخ شفاهی این سازمان به خاطر اهمیت موضوع، در سال ۹۳ به ضابط خاطرات شفاهی آن زنده یاد پرداخت. امید است حاصل این مصاحبه‌ها در قالب کتاب در خور شایسته تدوین و به دست‌آوردان فرهنگ عرضه شود.

استاد فریدون نوزاد در جوانی به استخدام بانک بازرگانی درآمد و در سال‌های خدمت اداری ریاست چند شهر مهم گیلان و مازندران را به عهده داشت. وی در تمامی دوران زندگی شخصی، اداری و اجتماعی کوشید تا اخلاق را سرلوحه امور همه قرار دهد. با همه برخوردی گرم داشت. در همه حال نسل جوان‌تر را به کوشش بیشتر دعوت می‌کرد و خود را موظف به حمایت از جوانان می‌دانست. نوزاد بواقع بزرگمردی خوشنام و شخصیتی فر نام بود.